

توضیحات:

- ویژه کنکور دانشگاه فرهنگیان
- خلاصه + نکات مهم
- درس ۹ تا ۱۴
- با قابلیت پرینت

جزوه خلاصه و نکات مهم

کتاب دین و زندگی دهم

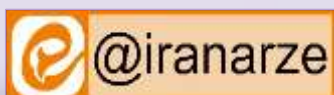
کد ۱۱۰۲۰۵ ویژه رشته علوم انسانی

(فقط درس نهم تا چهاردهم)

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات کنکور دانشگاه فرهنگیان ، اینجا بزنید

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار آزمون کنکور فرهنگیان، اینجا بزنید

« انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه، مجاز می باشد »



- ❖ فصل اول: خلاصه دین و زندگی دهم ویژه رشته علوم انسانی تالیف ایران عرضه - صفحه ۲
- ❖ فصل دوم: نکات مهم دین و زندگی دهم ویژه رشته علوم انسانی تالیف ایران عرضه - صفحه ۹

فصل اول: خلاصه دین و زندگی دهم ویژه رشته علوم انسانی تالیف ایران عرضه

درس ۹

آهنگ سفر

اکنون که با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسانها براساس اعمال آنان در دنیا تعیین میشود، موی سر خود را می پوشانند و به حجاب پایبند بودند. است تا در این دنیا قدم در مسیری بگذاریم که موفقیت آن حتمی باشد و سرانجام و آخرتی آباد را برای ما رقم بزند. از آنجا که هدف از خلقت انسان رسیدن به مقام قرب خداوند است پس در حقیقت، او مسیر و هدف اصلی زندگی ماست. هر کس این نکته را دریابد و زندگی خود را در مسیر این هدف قرار دهد، در دنیا زندگی لذتبخش و مطمئن و در آخرت رستگاری ابدی را به دست خواهد آورد.

برای گام گذاشتن در مسیر قرب الهی و همچنین برای ثابت قدم ماندن در این راه، شایسته است اقدامات زیر را انجام دهیم:

۱- تصمیم و عزم برای حرکت: عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می سازد. البته عزم و اراده انسانها متفاوت است. هر قدر عزم قویتر باشد، رسیدن به هدف آسانتر است. استواری بر هدف، شکیبایی و تحمل سختیها برای رسیدن به آن هدف، از آثار عزم قوی است. کارهای بزرگ، عزم های بزرگ میخواهد. آنان که عزم ضعیفی دارند، در برابر تندباد حوادث، تاب نمی آورند و مشکلات راه، آنان را به عقب نشینی وادار می کند. اما آنان که عزم قوی دارند، سرنوشت را به دست حوادث نمی سپارند و با قدرت به سوی هدف قدم برمی دارند.

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

بر آنچه (در این مسیر) به تو میرسد صبر کن که این از عزم و اراده در کارهاست

۲- عهد بستن با خدا: کسی که راه رستگاری را که همان قرب و نزدیک شدن به خداست، شناخته و میخواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان مینماید که آنچه خداوند برای رسیدن به این هدف در دین مشخص کرده است، یعنی واجبات الهی را، انجام دهد و خداوند را خشنود سازد؛ همچنین از انجام آنچه که ما را از این هدف دور می سازد، یعنی کارهای حرام، اجتناب کند.

درباره عهد با خدا خوب است دو پیشنهاد زیر را انجام دهیم:

اول: برای عهد بستن، بهترین زمانها را انتخاب کنیم. بعد از نماز، شبهای قدر و شب یا روز جمعه زمانهای خوبی برای عهد بستن با خدا هستند.

دوم: عهد و پیمان خود را در زمانهای معینی، مانند آخر هر هفته، آخر هر ماه یا شب قدر هر سال، تکرار کنیم تا استحکام بیشتر پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود.

۳- مراقبت: باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال میآورد؛ عهدی که ابتدا بسته می شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند.

امام علی میفرماید:

گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیمها و کارها میشود. به طور مثال، کسی عهد مینماید که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند؛ او باید مراقب باشد که کارهای دیگر، او را به خود مشغول نکند و این تصمیم خود را فراموش نکند و نیز عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم میشود، از سر راه بردارد.

۴- محاسبه و ارزیابی: بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود. بعد از محاسبه اگر

معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده ایم، خوب است خدا را سپاس بگوییم و شکرگزار او باشیم؛ زیرا میدانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمانهاست. اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب قرار دهیم و از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قویتر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم. یادمان باشد که یک حسابرسی بزرگ در قیامت در پیش داریم و اگر خودمان در اینجا به حساب خود نرسیم، در قیامت به طور جدی اعمال ما را محاسبه خواهند کرد. پیامبر اکرم فرمود:

حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا

«به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند.»

از امیرالمؤمنین علی پرسیدند:

زیرکترین انسان کیست؟

فرمود: کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهایی که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده‌اند، بسیار ضروری است. زیرا وجود این الگوها، اولاً به ما ثابت میکند که این راه موفقیت آمیز است؛ ثانیاً می‌توان از تجربه آنان استفاده نمود و مانند آنان عمل کرد و از همه مهمتر اینکه می‌توان از آنان کمک گرفت و با دنباله روی از آنان سریعتر به هدف رسید. از این رو قرآن کریم، پیامبر را به عنوان الگو معرفی میکند و میفرماید:

«رسول خدا برای شما نیکوترین اسوه است.»

و پیامبر نیز همواره از اهل بیت به عنوان انسانهایی برتر که مسیر زندگی را با موفقیت پیموده‌اند و پیروی از آنان موجب رستگاری و نجات انسان میشود، یاد کرده و ما را به الگو گرفتن از آنان دعوت کرده است.

ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که چگونه می‌شود انسانهای بزرگی را که حدود ۱۴۰۰ سال قبل زندگی کرده‌اند، اسوه قرار داد؟

پاسخ این است که اسوه بودن آن بزرگان مربوط به اموری که به طور طبیعی و با تحولات صنعتی تغییر می‌کنند، نیست. وسایل حمل و نقل، وسایل خانه، امکانات شهری، شکل و جنس پارچه‌ها و لباسها از این قبیل‌اند. اسوه بودن در اموری است که همواره برای بشر خوب و با ارزش بوده‌اند. عدالت، گذشت، فداکاری، مهربانی، داشتن نظم و برنامه در زندگی و... از ارزشهایی است که همواره مورد احترام بشر بوده است و با گذشت زمان، حتی درک بهتری از آنها نیز به دست آمده است. پیامبر و اهل بیت اسوه‌های انسانیت هستند و انسانیت، دیروز و امروز و فردا ندارد.

به طور مثال، امام حسین از پدر گرامی خود نقل میکند که رسول خدا در منزل، اوقات خود را سه قسمت میکرد. قسمتی برای عبادت، قسمتی برای اهل خانه و قسمتی برای رسیدگی به کارهای شخصی. سپس آن قسمتی را که به خود اختصاص داده بود، میان خود و مردم تقسیم میکرد و مردم را به حضور می‌پذیرفت و به کارهایشان رسیدگی می‌کرد.

همچنین ممکن است این سؤال پیش آید که پیامبر یک انسان معصوم است؛ چگونه می‌توان ایشان را اسوه قرار داد و مثل او عمل کرد؟ پاسخ این است که ما او را اسوه پکامل خود قرار میدهیم چون میدانیم که هر کاری که انجام داده، درست و مطابق دستور خداوند بوده است. اما اسوه قرار دادن ایشان به این معنا نیست که ما عین او باشیم و در همان حد عمل کنیم، بلکه بدین معناست که در حد توان از ایشان پیروی کنیم و خود را به راه و روش ایشان نزدیکتر کنیم.

امیرالمؤمنین درباره چگونگی پیروی از ایشان میفرماید:

آگاه باش برای هر پیروی کننده‌ای، امام و پیشوایی است که باید از او تبعیت کند و از علم او کسب نور کند. هشیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص نان کفایت کرده است. اما شما قطعاً توانایی این قناعت را ندارید؛ ولی با پرهیزکاری و کوشش {در راه خدا} و عفت و درستکاری مرا یاری کنید.

درس ۱۰

اعتماد بر او

پس از آشنایی با آینده انسان در جهان آخرت آشنا شدیم و دانستیم که سرنوشت ابدی انسانها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین میشود، لازم است باردیگر با خدای خود تجدید عهد کنیم و عزم نماییم تا راه زندگی را محکمتر و مطمئن تر از گذشته، همانگونه که خدا از ما خواسته است، ببیماییم. در این درس، با یکی از عواملی که سبب تقویت اراده و عزم می شود آشنا می شویم.

حقیقت توکل بر خدا

توکل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند است؛ یعنی انجام وظیفه خود در هر کار و سپردن نتیجه و محصول آن به خداوند. انسان متوکل خداوند را تکیه گاه مطمئن خود مییابد و در عین عمل به وظایف، امورش را به او واگذار می کند و خود را تحت حمایت خداوند قرار می دهد. و آن کس که در راه حق به خدا توکل کند، خداوند او را بس است، خداوند امر خویش را به سرانجام میرساند

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ

انسان متوکل میدانند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه ای که به دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود به آن مصلحت آگاه نباشد؛ زیرا خداوند آینده ای را میبیند که ما نمی بینیم و به مصلحت هایی توجه دارد که ما درک نمی کنیم. گاهی چیزهایی را به نفع خود می پنداریم درحالی که به ضرر ماست یا امری را به ضرر خود میدانیم درحالی که به نفع ماست.

امام علی در یکی از دعاهای خویش میگوید:

«خداوندا تو با آنان که به تو بیشتر عشق میورزند، بیش از دیگران انس می گیری و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می کنند از خودشان آماده تری، اسرار ایشان را میدانی و بر اندیشه هایشان آگاهی»

ایشان در ادامه می فرماید:

«اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر مصیبتها بر نان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند، چون میدانند سررشته کارها به دست توست»

شرایط توکل حقیقی

۱- توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله «خداایا، بر تو توکل می کنم» نیست. بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعا و را تکیهگاه خود ببیند. اگر اینگونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتا به نفع ما است پیش خواهد آورد.

امام صادق فرمود: خداوند به داود وحی کرد هر بندهای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چارهجویی میکنم، گرچه همه آسمانها و زمین و هرچه در آنها است، علیه او برخیزند.

۲- توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه خود را به کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب نماید و با عزم و اراده محکم برای رسیدن به مقصود تالش کند. در این صورت است که می توان بر خدا توکل کرد. زیرا توکل، جانشین تنبلی و ندانمکاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امید دهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است.

روزی، پیامبر اکرم به مردمی برخورد که اهل کار و فعالیت نبودند. به آنان فرمود:

شما چگونه مردمی هستید؟

گفتند: ما توکل کنندگان بر خدا هستیم.

ایشان فرمود: نه، بلکه شما سربار دیگران هستید.

توکل کنندهای که اهل معرفت باشد، میدانند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته هایش، از ابزار و اسباب بهره جوید؛ زیرا این ابزار و اسباب، بنا بر حکمت الهی قرار داده شده و بی توجهی به آنها، بی توجهی به حکمت و علم الهی است.

تصمیم و توکل

نوجوانی و جوانی، دوران تصمیم های بزرگ و سرنوشت ساز است. هرچه عمر میگذرد و قوای انسان به سستی می گراید، توان انسان برای تصمیم های بزرگ نیز کاهش می یابد. جوان و نوجوان معمولاً شجاعت روحی بالایی دارد و دست و پای وجودش چندان به رشته های دنیایی بسته نشده است؛ مانند برخی بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته باشد یا در حسادت نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجملات زندگی باشد. از این رو، در این دوره نیاز شدیدتری به توکل و اعتماد بر خداوند حس می شود.

درس ۱۱

دوستی با خدا

به راستی دوستی با خدا چه آثاری دارد که پیشوایان دین و پیروان ایشان مشتاق آن بوده اند؟ چگونه میتوان دل را به این آذین آراست؟

نقش محبت

محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیمها و کارهای انسان است. فعالیتهایی که آدمی در طول زندگی انجام میدهد ریشه در دل بستگیها و محبتهای او دارد و همین محبتهاست که به زندگی آدمی جهت میدهد.

ارزش انسان:

امام علی (ع) می فرماید:

ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست میدارد.

پیامبر اکرم: هر کس در روز قیامت با محبوب خود محشور می شود.

محبت به خدا

اگر انسان دل به سرچشمه کمالات و زیباییها سپارد، و قلب خود را جایگاه او کند، زندگیش رنگ و بوی دیگری می یابد و هر میزان که ایمان انسان به خدا بیشتر شود، محبت وی نیز به خدا بیشتر می شود. عشق و محبت الهی افسردگی، ترس و یأس را از بین میبرد و به انسان نشاط، شجاعت و قدرت می بخشد.

امام صادق می فرماید: قلب انسان حرم خداست؛ در حرم خدا غیر خدا را جا ندهید.

آثار محبت به خدا و راه های افزایش آن

پیروی از دستورات خداوند، دوستی با دوستان او و بیزاری از دشمنانش بخشی از آثار محبت به خداست. البته بین محبت به خدا و این آثار رابطهای دوسویه است؛ یعنی همانطور که محبت خدا موجب بروز این آثار میشود، تداوم و استمرار در پیروی از دستورات خداوند و عشق ورزیدن به دوستان و برائت از دشمنانش، موجب تقویت محبت انسان به خدا نیز می شود.

۱- پیروی از خداوند: نمیشود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند.

امام صادق فرمودند:

ما احب الله من عساه

کسی که از فرمان خدا سرپیچی میکند، او را دوست ندارد.

خداوند در خواسته هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. او خیرخواهانه به ما هشدار میدهد و ما را به کارهایی که به نفع ماست، راهنمایی میکند. حتی اگر احساس کنیم انجام برخی دستورات خداوند برای ما دشوار است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای رستگاری ما ضروری است.

روش های تقویت رابطه دوستی با خدا

خداوند، بنده گناهکار توبه کننده را دوست دارد.

خداوند، انسان با حیای بردبار با عفتی را که پاکدامنی می ورزد، دوست دارد.

خداوند، رسیدگی به دلسوختگان و درماندگان را دوست دارد.

خداوند، کسی که جوانیاش را در اطاعت او بگذراند، دوست دارد.

خداوند، زیبایی و آراستگی را دوست دارد.

۲- دوستی با دوستان خدا: اگر می‌خواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت و دوستی آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم و هر میزان که این عاقله بیشتر و قویتر باشد، محبت ما نیز به خدا فزونتر میشود. انبیا و اولیای الهی و مجاهدان راه حق و آنان که در مسیر بندگی خدا حرکت کردند، دوستان خداوند هستند و برترین این دوستان، رسول خدا و اهل بیت ایشان میباشند که با تمام وجود به خدا عشق ورزیدند و زندگی خود را در اطاعت کامل خداوند سپری کردند.

۳- بی‌زاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان: عاشق روشنایی، از تاریکی میگریزد و آنکس که به دوستی با خدا افتخار میکند، با هرچه ضد خداست، مقابله می نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.

حضرت ابراهیم تا پیامبر اسلام زندگی خود را در مبارزه با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند.

از این رو، «جهاد در راه خدا» در برنامه تمام پیامبران الهی بوده و بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده اند. امروزه نیز مشاهده می کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع دنیایی خود، حقوق ملت‌ها را زیر پا میگذارند و آنان را از حقوقشان محروم میکنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین، یمن، سوریه، عراق، بحرین و... نمونه آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد.

پس دینداری بر دو پایه استوار است:

توئی (دوستی با خدا و دوستان او) و تبری ی (بی‌زاری از باطل و پیروان او). هرچه دوستی با خدا عمیق تر باشد، نفرت از باطل هم عمیقتر است.

درس ۱۲

یاری از نماز و روزه

خداوند در آیات مختلفی، فایده‌های نماز و روزه را بیان فرموده است:

۱- یاد خدا،

۲- دوری از گناه.

مهمترین فایده روزه نیز عبارت است از: تقوا.

تقوا

قرآن کریم راه‌های متعددی برای کسب تقوا به ما نشان داده که در این درس به دو مورد مهم از آنها، یعنی «نماز» و «روزه» اشاره میکنیم.

نماز و بازدارندگی از گناه

انسانی که پنج بار در طول روز نماز بهیچا می‌دارد، یاد خدا را در دل خود زنده میکند و حضور او را در جای جای زندگی احساس میکند. توجه به حضور خدا در زندگی و

نظارت او بر اعمال، موجب می‌شود تا انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند.

با این حال، برخی می‌گویند: «ما نماز میخوانیم اما تأثیر آن را کمتر در خود مشاهده می‌کنیم و معمولاً دست از رفتارهای قبلی برنمی‌داریم. پس چگونه نماز بازدارنده انسان از

زشتیها و منکرات است؟»

امام صادق میفرماید:

«هرکس می‌خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود،

این نماز قبول شده است.»

اگر نماز را کوچک نشماریم...

اگر نماز را کوچک نشماریم و نسبت به آنچه در نماز می‌گوییم و انجام می‌دهیم درک صحیح نداشته باشیم، نه تنها از گناهان که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور

خواهیم شد.

اگر در انجام به موقع نماز بکوشیم، بی نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد.

اگر در پنج نوبت با لباس و بدن پاکیزه به نماز بایستیم، آلودگی های ظاهری ما کمتر خواهد شد.

اگر شرط غسبی نبودن لباس و مکان نمازگزار را رعایت کنیم، کمتر به کسب درآمد از راه حرام متمایل خواهیم شد.

اگر هنگام گفتن تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز توجه داشته باشیم، قدرتهای دیگر در نظرمان کوچک خواهند شد و به آنان توجه نخواهیم کرد.

اگر در رکوع و سجود، عظمت خدا را در نظر داشته باشیم، در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نخواهیم کرد.

بنابراین؛ با تکرار درست آنچه در نماز میگوییم و انجام میدهیم به تدریج چنان تسلطی بر خود می یابیم که می توانیم در برابر منکرات بایستیم و از انجامشان خودداری کنیم.

برخی از نجاسات عبارتند از:

۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۲ و ۳- ادرار و مدفوع انسان و حیواناتی که خون جهنده دارند.

۴- مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۵ و ۶- سگ و خوک، زنده و مرده آنها نجس است.

۷- کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).

۸- شراب و هر مایع مستی آور، نجس است.

خدا می فرماید:

ای مردمی که ایمان آوردهاید؛ بهرآستی شراب و قمار و بتپرستی و تیرکهای بخت آزمایی، پلید و از کارهای شیطانی است. پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان

میخواهد با شراب و قمار بین شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا دور سازد و از نماز باز دارد.

اعمالی که تأثیر نماز را از بین می برند:

۱- ناراحت کردن پدر و مادر

امام صادق فرمود: «فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند - هرچند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند - نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست».

۲- غیبت کردن

پیامبر اکرم به ابوذر فرمود: «هرکس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمیشود؛ مگر اینکه فرد غیبت شده، او را ببخشد».

روزه و تقویت تقوا

میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدفهای بزرگ، به میزان تسلط او بر خویش، خودنگهداری و «تقوا» بستگی دارد و هر قدر هدف بزرگتر باشد، تقوای بیشتری می طلبد.

احکام روزه

۹ چیز روزه را باطل میکنند که برخی از آنها عبارتند از:

خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، استمناء، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.

۲ - کسی که غسل بر او واجب است، اگر عمدا تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه اش تیمم است، عمدا تیمم نکند، نمیتواند روزه بگیرد. البته اگر سهل انگاری کند و غسل

نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و روزه اش صحیح است؛ اما در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.

۳- اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمدا قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم

برای هر روز یک مد ۷۵۰ گرم گندم و جو و مانند آنها به فقیر بدهد.

۴- اگر کسی روزه ماه رمضان را عمدا نگیرد، باید هم قضای آن را به جا آورد و هم «کفاره» بدهد؛ یعنی برای هر روز، دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام بدهد.

۵ - اگر کسی به چیز حرامی روزه خود را باطل کند؛ مثلا دروغی را به خدا نسبت دهد، کفاره جمع را واجب میشود. یعنی باید هر دو کفاره یاد شده را انجام بدهد.

وظیفه شخص مسافر: کسی که سفر می‌رود، اگر شرطهای زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد:

(الف) رفتن او بیشتر از ۴ فرسخ شرعی - حدود ۵/۲۲ کیلومتر - و مجموعه رفت و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.

(ب) بخواهد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده، بماند. پس کسی که میخواهد ده روز و بیشتر در محلی که سفر کرده است، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزهاش را هم بگیرد.

(ج) برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد.

درس ۱۳

فضیلت آراستگی

آراستگی، سیره پیشوایان دین

آراستگی به معنای «بهبود کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو» است. بنابراین، دو نوع آراستگی داریم. آراستگی باطنی که نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، حسن خلق، سخاوت، مهربانی و... است و آراستگی ظاهری که نتیجه مرتب بودن وضع ظاهر و توجه به نظافت و زیبایی آن است.

پیامبر می فرماید: خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده اش به سوی دوستان خود می رود، آماده و آراسته باشد.

امام صادق فرمود:

در آن زمان مردم در سختی بودند، اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توانایی پوشیدن چنین لباسی را دارند.

همچنین ایشان میفرمود:

خداوند آراستگی و زیبایی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن، بدش می آید.

و نیز می فرمود: دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.

در کنار این توصیه ها و سفارش هایی که به عموم مردان و زنان مسلمان میشود، پیشوایان دین به هریک از گروه مردان و زنان نیز سفارش های جداگانه ای می کردند؛ به عنوان نمونه پیامبر به مردان می فرمود:

سبیل و موهای بینی خود را کوتاه کنید و به خودتان برسید؛ زیرا این کار بر زیبایی شما می افزاید.

پیامبر با وجود آنکه مردان را به کوتاه کردن ناخن سفارش میکرد اما به زنان توصیه میکرد:

ناخنهای خود را مقداری بلند بگذارند چون برای آنان زیباتر است.

مقبولیت

یکی از نیازهای انسان، نیاز به مقبولیت در جمع خانواده، همسالان و جامعه است.

عفاف

عفاف حالتی در انسان است که به وسیله آن خود را در برابر تندروری ها و کندروی ها کنترل می کند تا بتواند در مسیر اعتدال و میانهروی پیش رود و از آن خارج نشود؛ یعنی در برآورده کردن هریک از علایق و نیازهای درونی بهگونهای عمل نمیکند که یا به طور کامل غرق در آن شود و از دیگر نیازها غافل شود یا به طور کل آن را کنار گذارد و به کوتاهی و تفریط دچار شود؛ بلکه در حد مطلوب و صحیح به برآورده کردن همه نیازها توجه دارد.

ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت

یکی از جلوه های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است. برخی انسانها در آراستگی ظاهری و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروری میشوند؛ به گونه ای که در آراسته کردن خود، زیاده روی میکنند و به خودنمایی می رسند. قرآن کریم این حالت را «تبرج» می نامد و آن را کاری جاهلانه می شمرد.

همچنین یک انسان عقیف، از مقبولیت نزد همسالان و جامعه گریزان نیست؛ اما خود را با ارزش تر از آن میدانند که بخواهد این مقبولیت را از راه جلب توجه ظاهری به دست بیاورد و خود را در حد ابزاری برای هوسرانی دیگران پایین آورد.

امام علی می فرماید:

«مبادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار میشوی با انجام گناه به جنگ خدا بروی.»

و امام صادق نیز میفرماید:

لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دینداری فرد است.

زن، مظهر عفاف

گرچه عفاف، خصلت هر انسان بافضیلتی، اعم از زن و مرد است، اما وجود آن در زنان و دختران رزق بیشتری دارد. زیرا خداوند زنان را بیش از مردان به نعمت زیبایی آراسته است. زن، مظهر جمال و زیبایی است و این زیبایی، هم درونی و هم ظاهری است.

درس ۱۴

زیبایی پوشیدگی

آیا در قرآن کریم درباره عفاف و پوشیدگی، دستور خاصی وجود دارد؟ خدای متعال در قرآن کریم، هم برای مردان و هم برای زنان، وظایف خاص و روشنی تعیین کرده است که عبارتند از:

(الف) وظیفه مردان است که چشم خود را کنترل کنند و از نگاه به زنان نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه نگه دارند.

(ب) زنان نیز مانند مردان وظیفه دارند که از نگاه به نامحرم خودداری کنند و دامان خود را از گناه حفظ نمایند.

(ج) استفاده از زینت و زیورآلت نباید به گونه‌ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند.

(د) زنان باید پوشش خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را هم بپوشاند.

امام کاظم در جواب برادرش که پرسید: «دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است؟» فرمود: «چهره و دست تا معج»

آیا حجاب زنان، موجب سلب آزادی و کاهش حضور آنان در جامعه می‌شود؟

۱- خداوند دستور حجاب را برای زمان حضور زن در اجتماع و مواجهه وی با نامحرمان قرار داده است نه برای داخل خانه؛ زیرا حجاب چگونگی پوشش زن را هنگام حضور در اجتماع مشخص میکند. این حکم نه تنها سبب کاهش حضور زنان نمی‌شود، بلکه سبب میشود تا حضوری مطمئن و همراه با امنیت داشته باشند.

۲- آنکه ادعای خانه نشین کردن زنان و سلب آزادی آنان با نگاه قرآن و سیره پیشوایان دین ناسازگار است. قرآن کریم عفت حضرت مریم را در معبدی که همگان، چه زن و چه مرد، به پرستش می‌آیند، میستاید؛ عفت دختران حضرت شعیب را در حال چوپانی و آبدادن به گوسفندان در جمع مردان، مثال می‌زند. تاریخ نیز خبر از حضور زنان مسلمان در زمان پیامبر، در پشت جبهه‌های جنگ برای پرستاری و کمک به مجروحان میدهد.

آیا حجاب اختصاص به ما مسلمانان دارد؟ ادیان الهی، که در اصل و حقیقت، یک دین هستند، همواره بر پوشش تأکید کرده‌اند و آن را لازمه دینداری شمرده‌اند. مطابق با

آیین یهود، زنان هنگام حضور در اجتماعات، موی سر خود را می‌پوشاندند و به حجاب پایبند بودند.

فصل دوم: نکات مهم دین و زندگی دهم ویژه رشته علوم انسانی تالیف ایران عرضه

۱- تصمیم و عزم برای حرکت: عزم به معنای اراده و تصمیم بر انجام کاری است. آدمی با عزم خویش، آنچه را که انتخاب کرده است، عملی می‌سازد. البته عزم و اراده انسانها متفاوت است. هر قدر عزم قویتر باشد، رسیدن به هدف آسانتر است.

۲- عهد بستن با خدا: کسی که راه رستگاری را که همان قرب وس نزدیکی به خداست، شناخته و میخواهد در این مسیر قدم بگذارد، با خدای خود پیمان میبندد که آنچه خداوند برای رسیدن به این هدف در دین مشخص کرده است، یعنی واجبات الهی را، انجام دهد و خداوند را خشنود سازد؛ همچنین از انجام آنچه که ما را از این هدف دور می‌سازد، یعنی کارهای حرام، اجتناب کند.

۳- مراقبت: باقی ماندن بر پیمان خود با خدا و وفای بر عهد، رضایت خدا را در پی دارد و شکستن پیمان، شرمندگی در مقابل او را به دنبال می‌آورد؛ عهدی که ابتدا بسته می‌شود، مانند نوزادی است که باید از او «مراقبت» شود تا با عهدشکنی، آسیب نبیند.

۴- امام علی می‌فرماید:

گذشت ایام، آفاتی در پی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیمها و کارها میشود. به طور مثال، کسی عهد میبندد که هر روز پس از نماز صبح، یک صفحه قرآن بخواند؛ او باید مراقب باشد که کارهای دیگر، او را به خود مشغول نکند و این تصمیم خود را فراموش نکند و نیز عواملی را که سبب سستی در اجرای این تصمیم میشود، از سر راه بردارد.

۵- محاسبه و ارزیابی: بعد از مراقبت، نوبت محاسبه است تا میزان موفقیت و وفاداری به عهد، به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت، شناخته شود. بعد از محاسبه اگر معلوم شود که در انجام عهد خود موفق بوده ایم، خوب است خدا را سپاس بگوییم و شکرگزار او باشیم؛ زیرا میدانیم که او بهترین پشتیبان ما در انجام پیمانهاست. اما اگر معلوم شود که سستی ورزیده ایم، خود را سرزنش کنیم و مورد عتاب قرار دهیم و از خداوند طلب بخشش کنیم و با تصمیم قویتر، دوباره با خداوند عهد ببندیم و وارد عمل شویم.

۶- پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها

برای حرکت در مسیر هدف، وجود اسوه و الگوهایی که راه را با موفقیت طی کرده و به مقصد رسیده‌اند، بسیار ضروری است.

۷- حقیقت توکل بر خدا

توکل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند است؛ یعنی انجام وظیفه خود در هر کار و سپردن نتیجه و محصول آن به خداوند. انسان متوکل خداوند را تکیه‌گاه مطمئن خود مییابد و در عین عمل به وظایف، امورش را به او واگذار می‌کند و خود را تحت حمایت خداوند قرار می‌دهد.

۸- امام علی در یکی از دعاها می‌گوید:

«خداوند! تو با آنان که به تو بیشتر عشق می‌ورزند، بیش از دیگران انس می‌گیری و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکل می‌کنند از خودشان آماده تری، اسرار ایشان را میدانی و بر اندیشه‌هایشان آگاهی.»

ایشان در ادامه می‌فرماید:

«اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد و اگر مصیبتها بر نان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند، چون میدانند سررشته کارها به دست توست.»

۹- شرایط توکل حقیقی

(۱) توکل کردن فقط به معنای گفتن جمله «خدا یا، بر تو توکل می‌کنم» نیست. بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکل کند و واقعا و را تکیه‌گاه خود ببیند. اگر اینگونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتا به نفع ما است پیش خواهد آورد.

امام صادق فرمود: خداوند به داود وحی کرد هر بندهای از بندگانش که به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد، از کارش چارهجویی میکنم، گرچه همه آسمانها و زمین و هرچه در آنها است، علیه او برخیزند.

(۲) توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه خود را به خوبی انجام دهد، یعنی فکر و اندیشه خود را به کار گیرد، با دیگران مشورت کند، بهترین راه ممکن را انتخاب نماید و با عزم و اراده محکم برای رسیدن به مقصود تلاش کند. در این صورت است که می‌توان بر خدا توکل کرد. زیرا توکل، جانشین تنبلی و ندانمکاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امید دهنده به کسی است که اهل همت، تعقل و پشتکار است.

۱۰- دوستی با خدا: آرامش، درک ارزش انسان،

۱۱- ارزش انسان:

امام علی (ع) می‌فرماید:

ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست میدارد.

پیامبر اکرم: هر کس در روز قیامت با محبوب خود محشور می‌شود.

۱۲- امام صادق می فرماید: قلب انسان حرم خداست؛ در حرم خدا غیر خدا را جا ندهید.

۱۳- آثار محبت به خدا و راه های افزایش آن

پیروی از دستورات خداوند، دوستی با دوستان او و بیزاری از دشمنانش بخشی از آثار محبت به خداست. البته بین محبت به خدا و این آثار رابطهای دوسویه است؛ یعنی همانطور که محبت خدا موجب بروز این آثار میشود، تداوم و استمرار در پیروی از دستورات خداوند و عشق ورزیدن به دوستان و برائت از دشمنانش، موجب تقویت محبت انسان به خدا نیز می شود.

(۱) پیروی از خداوند: نمیشود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند.

۱۴- روش های تقویت رابطه دوستی با خدا

خداوند، بنده گناهکار توبه کننده را دوست دارد.

خداوند، انسان با حیای بردبار با عفتی را که پاکدامنی می ورزد، دوست دارد.

خداوند، رسیدگی به دلسوختگان و درماندگان را دوست دارد.

خداوند، کسی که جوانیش را در اطاعت او بگذراند، دوست دارد.

۱۵- دوستی با دوستان خدا: اگر میخواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت و دوستی آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم و هر میزان که این عاقله بیشتر و قویتر باشد، محبت ما نیز به خدا فزونتر میشود.

۱۶- بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان: عاشق روشنایی، از تاریکی میگریزد و آنکس که به دوستی با خدا افتخار میکند، با هرچه ضد خداست، مقابله می نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.

۱۷- دینداری بر دو پایه استوار است:

توئی (دوستی با خدا و دوستان او) و تبری ی (بی زاری از باطل و پیروان او). هرچه دوستی با خدا عمیق تر باشد، نفرت از باطل هم عمیقتر است.

۱۸- یاری از نماز و روزه

خداوند در آیات مختلفی، فایده های نماز و روزه را بیان فرموده است:

(۱) یاد خدا،

۲- دوری از گناه.

۱۹- مهمترین فایده روزه نیز عبارت است از: تقوا.

تقوا

قرآن کریم راه های متعددی برای کسب تقوا به ما نشان داده است.

۲۰- نماز و بازدارندگی از گناه

انسانی که پنج بار در طول روز نماز بهیچا می دارد، یاد خدا را در دل خود زنده میکند و حضور او را در جای جای زندگی احساس میکند. توجه به حضور خدا در زندگی و نظارت او بر اعمال، موجب می شود تا انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند.

با این حال، برخی می گویند: «ما نماز میخوانیم اما تأثیر آن را کمتر در خود مشاهده می کنیم و معمولاً دست از رفتارهای قبلی برنمیذاریم. پس چگونه نماز بازدارنده انسان از زشتیها و منکرات است؟»

۲۱- امام صادق میفرماید:

«هرکس می خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه. به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است.»

اگر نماز را کوچک شماریم...

۲۲- برخی از نجاسات عبارتند از:

۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۲ و ۳- ادرار و مدفوع انسان و حیواناتی که خون جهنده دارند.

۴- مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۵ و ۶- سگ و خوک، زنده و مرده آنها نجس است.

۷- کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).

۸- شراب و هر مایع مستی آور، نجس است.

۲۳- اعمالی که تأثیر نماز را از بین می برند:

۱- ناراحت کردن پدر و مادر

۲- غیبت کردن

۲۴- نه ۹ چیز روزه را باطل میکند که برخی از آنها عبارتند از:

خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، استمناء، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.

۲۵- آراستگی، سیره پیشوایان دین

آراستگی به معنای «بهرتر کردن وضع ظاهری و باطنی و زیبا نمودن این دو» است. بنابراین، دو نوع آراستگی داریم. آراستگی باطنی که نتیجه برخورداری روح انسان از صفات زیبایی همچون ادب، حسن خلق، سخاوت، مهربانی و... است و آراستگی ظاهری که نتیجه مرتب بودن وضع ظاهر و توجه به نظافت و زیبایی آن است.

۲۶- ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت

یکی از جلوه های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است. برخی انسانها در آراستگی ظاهری و ابراز وجود و مقبولیت، دچار تندروی میشوند؛ به گونه ای که در آراسته کردن خود، زیاده روی میکنند و به خودنمایی می رسند. قرآن کریم این حالت را «تبرج» می نامد و آن را کاری جاهلانه می شمرد.

۲۷- امام علی می فرماید:

«مبادا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار میشوی با انجام گناه به جنگ خدا بروی».

و امام صادق نیز میفرماید:

لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دینداری فرد است.

۲۸- خداوند دستور حجاب را برای زمان حضور زن در اجتماع و مواجهه وی با نامحرمان قرار داده است نه برای داخل خانه؛ زیرا حجاب چگونگی پوشش زن را هنگام حضور در اجتماع مشخص میکند. این حکم نه تنها سبب کاهش حضور زنان نمی شود، بلکه سبب میشود تا حضوری مطمئن و همراه با امنیت داشته باشند.

ایران عرضه

مرجع نمونه سوالات

آزمون های استخدامی

به همراه پاسخنامه تشریحی

خدمات ایران عرضه:

- ارائه اصل سوالات آزمون های استخدامی
- پاسخنامه های تشریحی سوالات
- جزوات و درسنامه های آموزشی

برای دانلود رایگان جدیدترین سوالات کنکور دانشگاه فرهنگیان ، اینجا بزنید

همچنین جهت مشاهده آخرین اخبار آزمون کنکور فرهنگیان، اینجا بزنید

« انتشار یا استفاده غیر تجاری از این فایل، بدون حذف لوگوی ایران عرضه، مجاز می باشد »

